

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۶۲۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

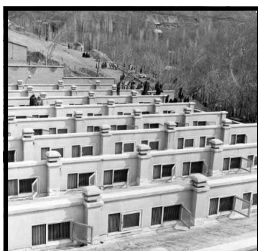
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۱ خرداد ۱۳۹۱، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

سرمد عبدال گلپریان

## هولوکاست اسلامی ۳۰ خرداد ۶۰ : زخمی بر پیکر جامعه



۳۰ خرداد سال ۶۰ سرآغاز یکی از بزرگترین نسل کشی های تاریخ معاصر جهان است. به دستور خمینی جلا سر دسته آدمکشان اسلامی، فرمان قتل، کشتار و شکنجه مخالفین صادر گردید. ده ها هزار نفر در دهه شصت به جوخه های اعدام سپرده شدند. زندانها مملو از مخالفین رژیم شد و صدها هزار نفر مجبور به ترک کشور شدند و بدین طریق رژیم سلطه اش را با اتکا به جنایات وسیع و سرکوب انقلابی که برای رفاه و آزادی برپا شده بود، بر صفحه ۳

## در مورد بحران سیاسی و حکومتی عراق



محمد آسگران: طبق اخبار و گزارشاتی که حول وحوش بحران سیاسی و حکومتی عراق منتشر شده است ظاهر قضیه این است که در راس این جدال مسعود بارزانی در مقابل نوری مالکی قرار گرفته است. اما جبهه مخالفین مالکی وسیعتر از این است. احزاب حاکم در کردستان و مقتدا صدر و علاوی و متحدینش جریانهای شاخص مخالفین میباشند. درجبهه نوری مالکی حزیش و نیروهای ارتش و نیروهای انتظامی و هیئت دولت قراردارند. مخالفین نوری مالکی که شامل احزاب اپوزیسیون در مجلس هستند افراد شاخص آنها عبارتند از مسعودبارزانی به صفحه ۳

متن پیاده شده مصاحبه تلویزیون ایسکرا با محمد آسگران

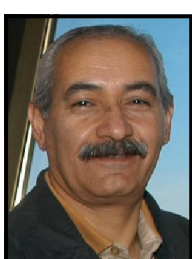
آوات فرخی: قبل از اینکه سوالی را مطرح کنم لطف کنید آخرین اخبار و تحولات راجع به اختلافات نوری مالکی و مسعود بارزانی و مقتدا صدر و علاوی و... را برای بینندگان ما توضیح دهید.

## رسوایی نیروهای "امنیت اخلاقی" در مریوان



حمله نیروهای "امنیت اخلاقی" جمهوری اسلامی به مردم محله موسک در مریوان با مقاومت و ایستادگی محکم مردم این محله روبرو شد. اخیرا درگیریهایی شدیدی در یکی از محلات شهر مریوان. محله موسک. با حمله نیروهای انتظامی به منازل مردم بمنظور جمع آوری دیش های ماهواره، وقوع بیوسته است. مردم محله موسک شجاعانه در مقابل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مقاومت و صفحه ۲

## ملای مسجد دارالحسان سنندج و رقص محلی



اخیرا ملای مرتجع مسجد دارالحسان سنندج بنام ملا امین راستی در سخنان پیش از نماز گفته است: "بخاطر اینکه (هه لپه رکی) یا رقص محلی کردی در ضدیت با اسلام است و در دین اسلام چنین چیزی وجود ندارد بنابراین این باید ممنوع شود". شهادت زیادی لازم است که مرتجعی در سنندج پیدا شود و بر بالای منبر علیه رقص و شادی مردم هذیان بگوید. صفحه ۲

## هزاران کارگر با امضای طومار، خواهان افزایش دستمزد و مطالبات خود شدند

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، طوماری حاوی برخی خواستههای مهم کارگران که به امضای ۱۰ هزار کارگر رسیده است امروز ۲۷ خردادماه توسط هماهنگ کنندگان این اعتراض تحویل وزارت کار شد و هزاران امضای دیگر نیز از سراسر کشور در راه است. صفحه ۴

متن نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به وزیر کار صفحه ۴

صفحه ۵	ملاقات مینا احدی با رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان
صفحه ۵	زنده باد زندگی . شکری حملان چگونه بقتل رسید / نهال
صفحه ۶	زندگی نامه من (بخش نوزدهم) / سهیلا شریفی
صفحه ۷	اخبار کارگری از شهرهای کردستان
صفحه ۷	جمهوری اسلامی دهها فعال کارگری را دستگیر کرد
صفحه ۸	در آستانه سی خرداد چهار فعال سیاسی در اهواز اعدام شدند

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **رسوایی نیروهای ...**

است.

اعتراضات و مقاومت مردم

محلہ - موسک - مریوان باید مورد حمایت‌های گرم قرار گیرد. جوانان و مردم شهر مریوان را برای تلاش آگاهانه سازماندهی شبکه های اعتراضی فرا میخوانیم.

مردم شهر مریوان در سه دهه گذشته و بمناسبت‌های مختلف در مقابل سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی مقاومت های سرسختانه و انقلابی انجام داده اند. اقدام ابتکاری جمع آوری امضا علیه حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی و کوشمالی دادن نیروهای سزوبگر در محلہ - موسک - تازه ترین مورد این اعتراضات انقلابی است.

فراخوان ما این است، روزانه از بینندگان ثابت برنامه های کانال جدید شوید. به برنامه های کانال جدید زنگ بزنید. و برای تحقق سیاست‌های حزب کمونیست کارگری در شبکه های مبارزاتی متشکل و متحد شوید.

مقاومت و تسلیم نشدن به سیاست‌های ضد آزادی این نظام جنایتکار و گسترده کردن بینندگان و طرفداران شبکه کانال جدید رمز ابتزکتیو و فوری خنثی کردن "سیاست امنیت اخلاقی" نیروهای سرکوبگر است.

خرداد ۱۳۹۱

از صفحه ۱ **ملای مسجد دار الحسان ...**

زندگی خود جارو خواهند کرد. ملا امین راستی خیلی دیر از خواب بیدار شده است. ۳۳ سال پیش مردم شهرهای کردستان و درست در شهری که ایشان به بیان این خزعبلات پرداخته است، بساط مکتب قرآن مفتی زاده پیشوای ملا امین راستی را برچیدند و اجازه ندادند که آخوندهای محلی آنهم نه در رابطه با رقص محلی بلکه در رابطه با دخالت مذهب در اداره امور

زندگی‌شان با چنین اراجیفی در امور آنان دخالت کنند. جسارت و جربرزه زیادی می خواهد که شاگرد دست چندم احمد مفتی زاده که مردم مبارز سنندج همانموقع حسابش را کف دستش گذاشتند آنهم در واپسین روزهای عمر حکومت اسلامی در رابطه با رقص، شادی و نشاط مردم در ممنوعیت رقص فتوا صادر کند.

این نوع تقلای اسلامی برای سپاه کردن هر چه بیشتر شادی و سرور زندگی مردم دیگر به بن بست رسیده و کارایی خود را از دست داده است. این بلبل زبانی ها نه از سر قدرت دستگاه مذهبی ملا امین و سران حکومت اسلامی بلکه ناشی از وحشت و هراسی است که سراپای وجود این مفتخوران و کاسه لیسان محلی را فرا گرفته است. پاسخ دندان شکن مردم به فتوای آیت اله های قم برای صدور حکم مرگ شاهین نجفی می بایست هشدار می باشد. به امثال امین راستی باشد.

جوانان و مردم مبارز سنندج و دیگر شهرهای کردستان با حضور گسترده تر خود در برنامه ها و مراسمهای رقص، جشنها و هر آنچه که بویی از نشاط و شادی میدهد، و همچنین مبارزه علیه ایجاد هر گونه محدودیتی در زندگی شان پاسخ درخوری به مرتجعین محلی و ملا امین راستی خواهند داد.

جوانان و مردم مبارز سنندج اجازه نخواهند داد که این ملای مرتجع یا هر امام جمعه عقب مانده دیگری یکبار دیگر این اراجیف را بر زبان جاری کند. ملا امین راستی بجای این چرندیات و در آخرین روزهای عمر این رژیم بهتر است فکری بحال خود بکند.

۱۷ ژوئن ۲۰۱۲

البته دین اسلام ایشان و آیت اله های فتوا دهنده به اندازه عمر حکومت اسلامی علیه شادی، رقص و دیگر شئون زندگی مردم حکم و فتوا صادر کرده اند. اما مسئله این است که امروز دوران این عریده کشی ها تمام شده است. اکنون وقت آن است که سنت، قوانین، خرافات و اسلام، باید در دست بردن به به زندگی مردم ممنوع شود.

اسلام تاریخا يك ویروس کشنده در زندگی مردم بوده است. وجود این ویروس و دست بردن آن در زندگی مردم است که باید ممنوع شود.

اسلام تاریخا يك ویروس کشنده در زندگی مردم بوده است. وجود این ویروس و دست بردن آن در زندگی مردم است که باید ممنوع شود. مذهب و دین اسلام یا هر خرافه مذهبی دیگری می تواند در خلوت خود به مناجاتش بپردازد بدون اینکه کوچکترین مزاحمتی برای رقص، شادی، اشعار و ترانه هایی که مذهب، خدا و نمایندگان زمینی اش را به ریشخند می گیرند ایجاد کند. در طول تاریخ زندگی بشر، اسلام و مذاهب چندگانه و مخصوصا این بختک آخری تحت حاکمیت مشتی جانور اسلامی به اندازه کافی علیه روند طبیعی زندگی مردم جنایت آفریده اند. مردم انقلابی در ایران می روند تا نقطه پایانی بر فاجعه ای که مذهب و اسلام علیه انسان و انسانیت به بار آورده است بگذارند.

اکنون دیگر نه تنها در کردستان و سنندج بلکه در سراسر کشور، رقص، موزیک، شعر و ترانه در به تمسخر گرفتن مذهب اجرا، ساخته و سروده می شود. امام، آیت اله و همه فسیل های مذهبی و اسلامی روزانه مورد ریشخند مردم هستند. در حالیکه سالهاست که همه مفتخوران اسلامی با قوانین و سنت‌های عقب مانده شان ماتریالهایی برای ساخت جوکهای جوانان شده اند، ملای کپک زده ای پیدا می شود و در مورد ممنوعیت رقص و شادی مردم فتوا صادر می کند و به خود جرئت می دهد که در مورد رقص و شادی مردم آنهم در شهری که سنتا مرکز چپ، کمونیسم، جنبش کارگری و آزادیخواهی است اظهار نظر کند.

مردم حتی برای بازگرداندن شادی و نشاط به زندگی‌شان هم که شده است این مرتجعین را از صحنه

ایستادگی محکمی کرده اند. محلہ مسکونی - موسک - در بیست سال گذشته بدلیل مهاجرت هزاران کارگر از روستاها و جاهای دیگر با ترکیبی از ساکنین کارگر و زحمتکش تشکیل شده است.

در تابستان امسال جمهوری اسلامی سیاست "امنیت اخلاقی" را توسط نیروهای ناجا اعلام کرده است.

یکی از اهداف هرگز موفق نشده نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جمع آوری دیش های ماهواره ای است. واقعیت عیان و آشکار این است که در ایران تحت حاکمیت سپاه این نظام ضد آزادی هر ساله بر تعداد بینندگان ماهواره ها افزوده میشود. طبق آمارهای رسمی خود مقامات رژیم اسلامی؛ سالانه به تعداد ۱۰ درصد جمعیت تهران به بینندگان شبکه های ماهواره ای افزوده میشود. در ششم اردیبهشت امسال موسسه علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اعلام کرده؛ «بر اساس نظر سنجی های به دست آمده حدود ۶۰ درصد مردم مخاطب ماهواره هستند». از ۹۰ ماهواره فعال در جهان بیشتر از ۳۵ ماهواره آسمان ایران را زیر پوشش خود قرار میدهند.

مردم متنفر از برنامه های

**Free jailed workers in Iran**

Mohammad Jarahi Reza Shahabi Ali Nejati

Shahrokh Zamani Ali Akhavan Mohamadali Mohamadi

Rasoul Bodaghi Behnam Ebrahimzadeh

**FREE THEM NOW!**

## از صفحه ۱ در مورد بحران ...

اضافه مقتدی صدر و عیاد علاوی و "جلال طالبانی"، اینها مجموعاً در يك جبهه در مقابل نوری مالکی قرار گرفته اند. مالکی هم تا این لحظه جوابی به آنها نداده است. آنها جلساتی را برگزار کردند و به توافقاتی رسیدند و این توافقات را به مالکی اعلام کردند. آنها خواستار اجرای موارد مورد توافقشان میباشند. اما مالکی نه به آنها جوابی داده است و نه به خواست آنها عمل کرده است. در این میان جلال طالبانی مثل همیشه با سیاستی دو پهلو هم خود را متحد این جبهه اپوزیسیون نشان میدهد و هم تحت عنوان التزام به قانون عملاً در قدرت ماندن مالکی را با هماهنگی با سیاست جمهوری اسلامی ترجیح میدهد.

مسئله ای که هم اکنون باقی مانده است دو احتمال است. احتمال اول این است که مالکی ناچار به استعفا شود و دولت سقوط کند. زیرا مخالفین در مجلس اکثریت هستند و "قانوناً" چیزی که مورد توافق شان است آنها میتوانند رای اعتماد خود را پس بگیرند و مالکی را بر اساس قانون خلع مقام کنند و او هم کناره گیری را بپذیرد و نخست وزیر دیگر انتخاب کنند. این يك احتمال است که خیلی بعید به نظر میرسد. زیرا مالکی تا کنون جوابی به این راه حل آنها نداده است. مالکی با اتکا به قدرت و امکانات و اسلحه، نیروی نظامی، ارتش و دسترسی به درآمدهای فروش نفت و دیگر منابع مالی ای که در اختیار دارد نمیخواهد کوتاه بیاید. و تا کنون مخالفین نتوانسته اند برای رسیدن به مطالباتشان نوری مالکی را ناچار به عقب نشینی کنند. علاوه بر این امکانات نیروی اصلی پشتیبان مالکی علاوه بر ارتش و نیروی نظامی عراق جمهوری اسلامی است که جلال طالبانی را هم غیر مستقیم با خود همراه کرده اند.

و اما احتمال دوم این است که اگر نوری مالکی قبول نکند و استعفا نهد، در این صورت با توجه به موقعیتی که در حال حاضر در عراق وجود دارد و به نوعی دو حکومت در کردستان و عراق برپا شده است حکومت کردستان عراق

تحت حاکمیت بارزانی و به همکاری دو فاکتوی طالبانی که رئیس جمهور عراق هم هست فاصله بیشتری از حکومت مرکزی بگیرد. (این دو مرکز قدرت همین حالا مناسباتشان در حداقل ممکن است.) بنابراین این اگر احتمال دوم رخ بدهد این شرایط دوام پیدا نمیکند. زیرا برای مدت زمان طولانی اداره دولت به این شیوه امکان پذیر نیست و احزاب موجود ناچار هستند که با هم دیگر تعیین تکلیف کنند.

یکی از راههای این تعیین تکلیف این است که نوری مالکی يك جنگ نظامی داخلی علیه اپوزیسیون خود در کردستان را آغاز کند. جنگ برای نوری مالکی تنها راه حل قطعی به نظر میرسد. اما دست بردن به راه حل نظامی برای مالکی چندان آسان نیست. زیرا اگر جنگی شروع شود چیزی نیست که موفقیتی برای نوری مالکی به همراه داشته باشد و این اقدام هم يك ریسک بزرگ است. در هر دو حالت مورد بحث سه قدرت منطقه ای عربستان سعودی، ترکیه و ایران عملاً دخالت های مستقیم و غیر مستقیمی در عراق دارند. هر کدام دارند نیروهای معینی را در عراق تقویت میکنند و سیاست خود را پیش میبرند. عربستان و ترکیه علیرغم اختلاف منافعشان به نوعی نزدیک به هم و در مقابل نوری مالکی و در حال تقویت اپوزیسیون مالکی هستند. اما در عین حال هر دوی آنها مشخصاً در مقابل جمهوری اسلامی تلاش میکنند نیروهای متحد خود را در عراق تقویت نمایند. جمهوری اسلامی هم آشکارا و با تمام امکانات نوری مالکی را حمایت میکند. البته جمهوری اسلامی تا این لحظه از اپوزیسیون هم قطع امید نکرده است چون خود مقتدی صدر و جلال طالبانی از متحدین و افراد نزدیک به جمهوری اسلامی هستند. در عین حال این دو نفر در داخل جبهه اپوزیسیون هم قرار گرفته اند. پیچیدگی اوضاع عراق و موقعیت احزاب دخیل در حکومت و اختلاف منافع آنها با همدیگر همچنانکه قبلاً گفتم دوراه حل و دو احتمال را بیش از احتمالات دیگر برجسته کرده است. یا کناره گیری مالکی و یا شروع جنگ با احزاب و

جریانات اپوزیسیون. راه حل سوم میتواند ایجاد اختلاف در میان اپوزیسیون باشد که جمهوری اسلامی نقش اصلی را برای این شق سوم به عهده دارد. اما در این حالت سوم معضل موجود نه تنها حل نمیشود بلکه شرایط را برای جنگ نهایی بیشتر آماده میکند.

**آوات فرخی:** مالکی میخواهد قدرت خودش را در عراق و در کردستان بیشتر کند و از طرف دیگر مسعود بارزانی و مقتدا صدر و علاوی هم میخواهند سهم بیشتری را عاید خود کنند و تلاش میکنند قدرت خود را نشان دهند. آیا مسعود بارزانی میخواهد حکومت کردستان را مستقل اعلام کند؟ آیا هدف مالکی و بارزانی و... همین مسایلی است که تا کنون اعلام کرده اند؟

**محمد آسنگران:** اولاً مسئله

تنها به کردستان محدود نمیشود. کردستان تنها موضوع چشمگیری است که در اختلافات بین مالکی و بارزانی برجسته میشود. ولی اختلافات مقتدی صدر و علاوی با مالکی اساساً مربوط به کردستان نیست. چندی پیش یکی از معاونین جلال طالبانی به نام طارق هاشمی به سازماندهی ترور در عراق متهم و غیاباً محکوم شد. دستور بازداشت این شخص از سوی مالکی صادر شد و طارق هاشمی به کردستان پناه برد و دولت مرکزی خواستار تحویل طارق هاشمی از سوی بارزانی شد. این خواست با مخالفت بارزانی مواجه شد. از طرفی دیگر عربستان سعودی، قطر و دیگر کشورهای حاشیه خلیج از طارق هاشمی دعوت و استقبال کردند و بعد به ترکیه رفت و با مقامات رسمی ترکیه هم ملاقات کرده است. او اکنون در ترکیه به سر میبرد. هاشمی بعد از دادگاهی و محکوم شدنش از سوی قضات عراقی همچنان در ترکیه بسر میبرد. مالکی گفته است که از طریق پلیس اینتر پل قضیه را دنبال میکند. با این نمونه میخواهم بگویم مسئله فقط مربوط به کردستان نیست. مسئله مربوط به قدرتمند شدن بیشتر در حکومت است چون منفعت میلیاردی در آن وجود دارد.

همین الان احزاب مخالف

## از صفحه ۱ هولوکاست اسلامی ...

جامعه تحکیم کرد.

انقلاب ۵۷ در پی آن بودند و پاسخ جامعه به سی سال جنایت حکومت اسلامی بود و آنرا تا لبه پرتگاه سقوط عقب راند و ماهیت جنایتکارانه اش را در ابعادی بی سابقه در سراسر جهان آشکار ساخت. جمهوری اسلامی بر دریای نفرت مردم و فوران حتمی يك انقلاب تمام عیار قرار گرفته است. انقلابی که بساط جنایتکاران را در هم خواهد پیچید و سران حکومت و کلیه آمرین و عاملین کشتارهای دهه شصت و کل جنایات رژیم در طول بیش از سه دهه حاکمیت منحوش را به محاکمه خواهد کشید.

حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی حکومت اسلامی و محاکمه همه سران این رژیم ضد انسانی سرمایه داران با تمام توان تلاش میکند. حزب همچنین از همه تلاش هائی که برای برپائی تربیونالها و دادگاه های مردمی برای رسیدگی به جنایات رژیم اسلامی علیه بشریت برپا میشود با همه توان حمایت خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ خرداد ۱۳۸۹،  
۱۶ ژوئن ۲۰۱۲

بدون نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰، رژیم اسلامی نمی توانست در قدرت باقی بماند. غیر ممکن بود که ماشین جنایت و آدمکشی و آزار سیستماتیک اسلامی تا امروز دوام بیاورد و نکبت بیافریند. ۳۰ خرداد ۶۰ زخم عمیقی بر پیکر جامعه است و فراموش شدنی نیست. حقایق این نسل کشی، عاملین و آمرین آن و همه جنایات پس از آن باید روشن و به آنها رسیدگی شود.

همه جناح های جمهوری اسلامی از خط امامی ها تا اصلاح طلبان، از خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و موسوی تا پاسدار ولترهای امروز نظیر سروش و سازگارا و گنجی در این جنایت نقش داشته اند و باید به مردمی که عزیزانشان بیرحمانه قتل عام شدند پاسخگو باشند. اینها همه از سازماندهندگان این جنایت بزرگ بودند و سازمانهای مانند حزب توده و اکثریت نیز جمهوری اسلامی را در این جنایات همراهی کردند.

انقلاب ۸۸، برای تحقق همان اهدافی بود که مردم ستمدیده در

مالکی در کردستان اسنادی را منتشر کرده اند که از سوی مالکی دزدی هائی صورت گرفته است که ابعاد میلیاردی دارد. این روش مافیایی و دزدیهای "قانونی" همان چیزی است که مدافعین مالکی در ایران دارند انجام میدهند. حاکمانی مافیایی که در ایران میلیارد میلیارد میزدند و مردم را گرسنگی میدهند، متحدین آنها در عراق هم مشغول همان دزدیهای اسلامی و میلیاردی هستند. برای نمونه چند سال پیش هیجده ونیم میلیارد دلار پول نقد و طلا از مرز ایران به ترکیه رسید و تا این لحظه هم کسی نمی داند که چه کسی صاحب آن ثروت افسانه ای بود. غیر مسقیم گفته شد که این چند کامیون پول و طلا به مجتبی پسر خامنه ای تعلق داشته است، یعنی خامنه ای

خواسته است که این ۱۸ و نیم میلیارد دلار را به سوریه و لبنان برساند. این هیجده ونیم میلیارد دلار طلا و پول نقد هنوز رسماً سرنوشش معلوم نشده است. نا گفته نماند دزدیهای میلیاردی در عراق هم محدود به مالکی نیست همچنانکه در ایران هم این دزدیها به خانواده خامنه ای محدود نیست. همه این دارو دسته های دزد و مافیای در حکومت شریک هستند. آنهايي که در حاکمیت کردستان عراق هستند و حتی آنهايي که حاکم نیستند و اپوزیسیون هستند و در مجلس شرکت دارند مانند علاوی و... همه آنها در این دزدی های میلیاردی شریک هستند. يك قلم از دزدیهای مالکی این بوده است که گویا با يك شرکت قرار

## از صفحه ۳ در مورد بحران ...

دادی بسته شده است که برق بصره را تامین کند. بودجه این پروژه پرداخت شده است اما در نهایت معلوم شده است که این شرکت فقط روی کاغذ وجود داشته است. هنوز هم معلوم نیست که این شرکت کجا است؟ کی است؟ چرا این برق را تولید نکرده است؟ چرا مردم بصره هنوز برق ندارند آب ندارند؟ چرا مردم در بیست و چهار ساعت فقط چند ساعتی آب و برق دارند؟ ناگفته نماند که همه احزاب شریک قدرت در عراق در این دزدی ها دست دارند. منتها به این دلیل که مالکی قدرت بیشتر و امکان بیشتری دارد ارتش و نیروی نظامی تحت اختیار دارد و اسلحه و درآمد این مملکت را در اختیار دارد یک قلم از دزدیهایش که افشا شده است ابعاد میلیاردری دارد.

**آوات فرخی:** شما به نقش جمهوری اسلامی اشاره کردید که طرفدار نوری مالکی است در حالی که جمهوری اسلامی از سه حزب اپوزیسیون کردستان گوران (حزب تغییر) کومه لی ئیسلامی (حزب جمعیت اسلامی) و یه کگرتوی ئیسلامی (حزب اتحاد اسلامی) دعوت کرده است برای مذاکره به ایران بروند. آیا هدف جمهوری اسلامی فقط تحت فشار گذاشتن حکومت محلی کردستان است یا اهداف دیگری پشت قضیه وجود دارد؟

**محمد آسنگران:** جمهوری اسلامی مجموعه اقداماتی برای حمایت از نوری مالکی انجام داده است که این یکی هم بخشی از آن پازل است که میخواهد نقشه اش را کامل کند. در ادامه این سیاست فرمانده سپاه قدس مدتی پیش به نجف رفته بود و در خانه مقتدی

اختلافات و منافع حاکمین عراق ربطی به منافع مردم ندارد در این میان نقش مردم چه باید باشد و چه کار باید کنند؟

**محمد آسنگران:** مردم هم در کردستان و هم خارج از کردستان در عراق قربانی سیاستهای این احزاب شده اند. این احزاب از سال ۲۰۰۳ تا این لحظه در عراق حاکم هستند با این حال نتوانسته اند ابتدایی ترین نیاز جامعه که آب و برق است را تامین کنند.

لازم به تاکید است که در جدال و کشمکش احزاب و جریانات مختلف در عراق آمریکا همچنان بخشی از صورت مسئله است و اتفاقا همچنان نفوذ تعیین کننده ای برای شکل دادن به حکومت عراق دارد. آمریکا تا امروز نشان داده است که از مالکی ناخشنود است و میخواهد مخالفین مالکی را تقویت کند. اما با این حال هیچ جانشین قابل اتکالی برای او ندارد و به همین دلیل به بودن او در پست نخست وزیر رضایت داده است.

متأسفانه مردم در اینجا نقشی ندارند تنها چیزی که باید به مردم گفت این است که نباید مردم به هیچ یک از این احزاب متوهم باشند هیچ کدام از این احزاب چه آنهایی که در حکومت هستند و چه آنهایی که در پارلمان هستند و از مالکی دفاع میکنند و یا مخالفش هستند هیچکدام به طور واقعی نه نماینده مردم هستند و نه نفع مردم برایشان مهم است نه اینکه دوست دارند مردم قدرتی داشته باشند و نقشی ایفا کنند. مردم راه سومی را باید انتخاب کنند که جدا از طرفین درگیر و جدا از دسته جات و گروه بندیهای سیاسی فعلی در عراق است.

**آوات فرخی:** در این جا به پایان برنامه میرسیم با تشکر از شما محمد آسنگران که دعوت ما را قبول کردید و در برنامه ما شرکت کردید. پایان

صدر با او وارد مذاکره شده و از مقتدی صدر خواسته است که دست از مخالفتهاش علیه مالکی بردارد و از مالکی حمایت کند... گفته میشود که صدر هم به دلیل منافع پایه ای تر خود در عراق این درخواست را نپذیرفته و فرمانده سپاه قدس هم ناراحت شده و آنجا را ترک کرده است. بلافاصله صدر اطلاعیه ای رسمی منتشر کرده است که ایران نباید در اوضاع داخلی عراق دخالت کند.

طبعاً منظور مقتدا صدر این است که جمهوری اسلامی نباید به نفع مالکی دخالت کند. زیرا صدر جمهوری اسلامی را یکی از حمایت کننده های اصلی خود میدانند. تا جایی که به کردستان مربوط است جمهوری اسلامی تلاش میکند به این شیوه یعنی دعوت کردن و ملاقات کردن با احزاب اپوزیسیون اسلامی و ناسیونالیست در کردستان عراق که اینها اپوزیسیون طالبانی و بارزانی هستند آنها را ببینند و قانعشان کند که با بارزانی و طالبانی در مقابل مالکی متحد ظاهر نشوند. طبعاً در مقابل این خواست جمهوری اسلامی به آنها قول و قرارهایی داده است. گفته میشود پول و امکانات زیادی در اختیار این جریانات قرار داده است.

با توجه به همه موارد گفته شده این بحران عمیقتر از این است که جمهوری اسلامی با این نوع مشاوره ها یا این نوع لابی گری ها بتواند مالکی را از زیر این فشارها در بیاورد. مالکی تحت فشارهای سنگینی قرار گرفته است و در عین حال مالکی امکاناتی را در اختیار دارد و اتکالی مالکی به نیروی نظامی و ارتش و نیروی مسلحی است که در دست دارد.

**آوات فرخی:** روشن است که

## از صفحه ۱ هزاران کارگر با امضای طومار ...

صنایع فلزی شماره یک و دو، کارخانجات شهید قندی، شرکت ایران ریس، تک تاز موتور، کارگران ساختمانی، پرسنل و پرستاران برخی بیمارستانهای تهران، شرکت راه آهن یزد، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، ریسندگی یزد باف، مجتمع های پتروشیمی در جنوب کشور از جمله پتروشیمی بندر امام و پتروشیمی کارون، نخ البرز، شرکت فراوری نسوز پارس و کارخانه های دیگری در شهرستان ساوه جمع آوری شده اند.

امضا کنندگان طومار در نامه ضمیمه خود ضمن اشاره به وضعیت اسفبار کارگران و قطع یارانه ها در یکسال و نیم گذشته، اخراج های گسترده و ناامنی شغلی، افت واقعی دستمزدها و حقوق بازنشستگان، فقدان بیمه میلیونها کارگر ساختمانی و سایر معضلات اقتصادی کارگران، مصرانه و بعنوان اقدامی عاجل خواهان افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعاً موجود و تامین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ خرداد ۱۳۹۱  
۱۶ ژوئن ۲۰۱۲

متن نامه هماهنگ کنندگان طومار  
اعتراضی به وزیر کار

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی جناب شیخ الاسلامی، با سلام  
همانطوریکه جنابعالی و عموم مردم ایران آگاهند با اجرای مرحله اول قطع سوسید کالاهای اساسی هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا کرده اند. این در حالی است که میزان دریافتی اکثریت ما کارگران با اضافه کاری و...، از ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ماه است که در مراکز استانها حتی کفاف اجاره بهای سرپناهی را نیز نمیدهد. فاصله بسیار زیاد تورم و گرانی موجود با حداقل دستمزدها در حال سوق دادن زندگی ما کارگران از خط فقر به خط مرگ است. از سوی دیگر با قطع سوسید حامله های انرژی بسیاری از کارخانه ها تعطیل و یا در معرض تعطیلی قرار گرفته اند و به همین دلیل هزاران کارگر از کار بیکار شده اند و یا در معرض اخراج و بی خانمانی قرار دارند. بدون تردید وضعیت موجود نه تنها برای ما کارگران غیر قابل قبول است بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمیل چنین شرایطی را بر میلیونها کارگر و خانواده های آنان بر نمی تابد. جناب وزیر!

## در دهمین سالگرد مرگ منصور حکمت

در ستایش از مبارزه برای شریفترین آرمانهای بشری در گرامیداشت عمری تلاش برای آزادی و برابری و سوسیالیسم یا ما همراه شوید

زمان: جمعه ۶ جولای، ساعت ۷ عصر  
مکان: استکهلم، موسی ترف Husby Träff  
تلفن تماس: سیما بهاری 0707432547  
حزب کمونیست کارگری ایران



از طریق سایتهای زیر به کتاب یگ دنیای بهتر می توانید دسترسی پیدا کنید.  
www.wpiran.org  
گروه کمونیست کارگری ایران  
آرشیو عمومی منصور حکمت  
www.hekmat-public-archives.net

## ملاقات مینا احدی با رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان



روز ۱۵ ماه ژوئن، مینا احدی در ملاقات با توم کونینگر رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان در مورد نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران و بویژه اعدامهای گسترده و احتمال اعدام هفت فعال سیاسی در این روزها، در مورد موقعیت خطرناک هوتن کیان و کیل سکینه محمدی آشتیانی و در مورد شاهین نجفی هنرمند ایرانی - آلمانی گفتگو کرد. در این نشست آنجلیکا گراف نماینده پارلمان آلمان و عضو کمیسیون حقوق بشر از حزب سوسیال دموکرات همراه با دو نفر دیگر از همکاران کمیسیون نیز حضور داشتند.

کمیته بین المللی علیه اعدام روز چهارشنبه ۱۳ ژوئن از کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان درخواست یک نشست اضطراری بدلیل احتمال اعدام چند فعال سیاسی در ایران کرده بود و بلافاصله این نشست در روز جمعه ۱۵ ژوئن با کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان انجام شد. در ابتدا مینا احدی در مورد اینکه ماه ژوئن سالگرد آغاز اعدامهای گسترده زندانیان سیاسی در اوایل دهه شصت شمسی است، صحبت کرد و گفت جمهوری اسلامی به اعدام و چوبه های دار تکیه زده و هم اکنون نیز روزانه

سرکوب مردم بازتر میگذارد. دولت آلمان و سایر دول غربی باید به این سیاست مماشات با جمهوری اسلامی خاتمه دهند و بشیوه ای علنی و قاطع نسبت به هرمورد اعدام، جنایت و سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی عکس العمل نشان دهند.

توم کونینگر رییس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان گفت که ما همیشه به اعدامها و نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده ایم. او از سفر اخیر خود به ایران و دفاع از عبدالفتاح سلطانی حرف زد و اینکه آنها خواهان دیدار با زندانیان سیاسی در ایران هستند و میخواهند به آنها اعلام کنند که آنها را فراموش نکرده اند و از حقوق آنها دفاع میکنند. در ادامه این گفتگو رئیس کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد که به مناسبت بیست و نهمین سالروز شروع کشتار زندانیان سیاسی، بیانیه ای خواهند داد و همچنین در یک نشست پارلمان آلمان کمیسیون حقوق بشر مجدداً اعدامها در ایران را با حضور نمایندگان همه احزاب، محکوم خواهند کرد.

در این نشست همچنین در مورد شاهین نجفی هنرمند ایرانی - آلمانی و ضرورت اعتراض به فتوای جمهوری اسلامی علیه فعالین سیاسی و هنرمندان صحبت شد. این کمیسیون بیانیه ای در دفاع از شاهین نجفی و حق آزادی بیان و هنر منتشر کرده است.

بخشی از گفتگوها در این نشست در مورد نحوه برخورد به حکومت اسلامی متمرکز شد. مینا احدی در این نشست خواهان اعمال فشار سیاسی و دیپلماتیک قاطع به حکومت اسلامی، فراخواندن سفیر جمهوری اسلامی و اعتراض رسمی به اعدامها در ایران شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۸ ژوئن ۲۰۱۲

## زنده باد زندگی

### شکری حملان چگونه بقتل رسید / نهال



بکشد. یعنی در واقع می خواست کار را طوری انجام بدهد که نشان از خودکشی داشته باشد ولی باز هم شکری چنین کارهایی را انجام نداد و بارها کتک خورد.

شکری با وجود اینکه عاشق خانواده و زندگیش بود اما باز هم حاضر بود از این زندگی رذالت بار دست بردارد و در خواست طلاق کند.

همسرش جوابش این بود یا می کشمت یا طلاقتم نمیدهم!

چرا؟ برادرش نیز همین حرف را می زد یا می کشمت یا نباید به خانه پدر برگردی. تا اینکه شکری به خانه پدرش در روستایی به اسم (خال دار) برگشت.

ولی متأسفانه هر دو قولشان را عملی کردند و در روز شنبه ۳ اردیبهشت وقتی که کسی در خانه نبود، برادر و شوهرش به جان شکری افتادند و بعد از کتک کاری او را بیهوش کردند و سپس او را حلق آویز کردند. با این عمل لکه ننگ دیگری بر تاریخ نامبارک مرد سالاری اضافه کردند.

قاتل شکری تنها این چند مرد نبودند بلکه قوانین، سنت، فرهنگ، مذهب و مرد سالاری بود. فقط یک مزاحم تلفنی نبود که باعث مرگ شکری شد بلکه تمام آن تفاوتهایی است که او با اطرافیان خودش داشت. شکری قربانی همه اینها شد. انسانهایی شبیه شکری کم هم نیستند.

انسانهایی که قلبشان برای آزادی و برابری می تپد باید دست در دست هم بگذارند و بر علیه این همه قانون و فرهنگ غلط و مذهب مبارزه کنند، مبارزه ای بی

در اینجا می گویم  
زنده باد زندگی.

شکری دختری بود که در خانواده ای پر جمعیت روستایی به دنیا آمده بود و به دلیل فشار خانوادگی از همان بچگی از درس خواندن محروم شد. همچنین به اولین خواستگارش جواب مثبت داد و با او ازدواج کرد.

شکری پسری ۶ ساله داشت و انسانی خوش برخورد و زحمت کش بود که دوش به دوش همسرش کار می کرد.

با وجود اینکه در خانواده ای مذهبی و سنتی به دنیا آمده بود اما او افکار برابری طلبانه ای داشت. مثلاً او لازم نمی دید که سفره اش را جدا از سفره مردها پهن کند و یا اگر چیزی بخواهد از شوهرش تقاضا کند که برایش انجام بدهد. خودش حاضر بود چنین مسئولیت هایی را برعهده بگیرد و بر خلاف این همه سنتهای غلط و افکار نادرستی که در جامعه وجود دارد او می خواست گواهینامه بگیرد و همانند شوهرش رانندگی کند.

مدتی پیش يك مزاحم تلفنی داشت که بعداً معلوم شد پسر عمویش است. این شخص انسانی نیمه روانی بود که به طور مداوم برای شکری مزاحمت تلفنی ایجاد می کرد. که کم کم این مزاحمت تلفنی به همسر و برادرش نیز سرایت کرد و آنها نیز کم کم شروع به آزار و اذیت شکری کردند. که این باعث شد خانواده و اطرافیان نیز این کار را بکنند. حتی تلفنی را نیز که در اختیارش بود از او بگیرند. شبیه زندانی خانگی.

به طور پنهانی مراقبش بودند که چیزی از شکری ببینند و سرش را ببرند. ولی شکری هیچ یک از این موارد را نداشت.

حتی همسرش می خواست ۲ بار او را با سم و گاز



## زندگی نامه من (بخش نوزدهم)

نوعی خشم و نگرانی در صفوف پیشمرگان موج میزد. بخشا این خشم متوجه رهبری کومله بود که به اعتقاد پیشمرگان زیادی با دولت عراق مدارا میکرد و با خوشخیالی از کنار این ماجراها می گذشت و فکری جدی برای حل این مشکل نمی کرد. ابراهیم علیزاده دبیر اول کومله و چند نفر دیگر از اعضای رهبری جلسه ای برای آرام کردن تشکیلات سازمان دادند که در آن تلاش کردند مشکلاتی را که در برابرشان بود، کمبدها و ضعفهایی که رابطه دیپلماتیک ما با عراق داشت را بررسی کنند و کادها و اعضای حزب را فراخواندند که صورت باشند و دست به اقدامات عجولانه و خطرناک نزنند. این جلسه تا حدودی جو را آرام کرد، اما از نگرانی موجود در صف پیشمرگان نکاست.

دو روز بعد، صبح از خواب بیدار شدم و علی را بالای سر خود دیدم. باورم نمی شد، فکر می کردم دارم خواب می بینم. اما علی آنجا بود و داشت به آرامی اشک می ریخت. ظاهرا آنقدر به صلاح سازوجی و مسئولین کمیته ناحیه اصرار کرده بود که او را با اولین ماشینی که به طرف گولان آمده بود، فرستاده بودند. می گفت: "به صلاح گفتم اگر شما مرا نفرستید خودم می روم." حال داشت رو به بهبودی می رفت و با دیدن علی دیگر اصلا احساس مریضی نمی کردم. بزودی پا شدم و من و علی هم به جمع پزشکیاران دیگر پیوستیم که آن چند روز بی وقفه کار کرده بودند و سنگینی فشار بمباران را بر دوش کشیده بودند.

یک هفته ای طول کشید که فشار کارمان کم شود و تعداد بیماران رو به کاهش برود. بخاطر امن نبودن منطقه سعی کردند هرچه سریعتر بیماران جدی تر را به سلیمانیه و چناره بفرستند و آنهایی هم که مانند من جزئی تر مسموم شده بودند بزودی از بیمارستان مرخص شدند و

به ارگانهای خود برگشتند. هر روز که می گذشت علائم تازه ای از تاثیرات مواد شیمیایی بر جسم و روح افراد کشف می کردیم. دکتر شاکری که از پیدا کردن موضوع تازه ای برای تحقیق به هیجان آمده بود، کتابهای قطور پزشکی را دور خودش جمع کرده بود (نمی دانم در آن روستای دور افتاده او اینهمه کتاب را از کجا آورده بود) و می خواند و کشفیات تازه اش را با صدای بلند اعلام می کرد و آنها را روی بیماران امتحان می کرد. گاهی وقتها کسی پیدا میشد که از روی شیطنت و طنز نشانه هائی من درآوردی را ردیف می کرد و می گفت فکر می کند بخاطر شیمیائی است: "دکتر جان تازگیها احساس می کنم توی مغزم می خارد. فکر می کنی ربطی به شیمیائی داشته باشه؟" گفته میشد که سالار قاطی کرده است و هر زنی را که می بیند فکر می کند زن خودش است. گویا شهره یکی از پرستاران را بغل کرده بود و گفته بود عزیزم مهری کجا بودی؟ دکتر شاکری معتقد بود که این اختلال از تاثیرات گاز شیمیائی است. اما عده زیادی که سالار را می شناختند و می دانستند او فرد شوخ طبعی است، معتقد بودند که اینکارها را عامدانه و بخاطر شوخی انجام می دهد. حتی یکی از آنها بخاطر اینکه ثابت کند که سالار فقط فیلم بازی می کند، رفته بود پیشش و گفته بود "سلام عزیزم من مهری هستم" سالار هم با عصبانیت او را از خود دور کرده بود "تو چطور با یک من سبیل مهری هستی؟"

تابستان بود و هوا گرم و طبیعت زیبا و دلپذیر و ما تلاش می کردیم این بیرون رفتنهای اجباری را به نوعی بیک نیک تبدیل کنیم که بتوانیم آنرا قابل تحمل تر کنیم. کوهها و تپه های آن اطراف فوق العاده بودند. عطر گلهای وحشی همه جا را پر می کرد و درختان کله های پر شاخ و برگشان را به هم می چسپاندند و سایه خنک و مطبوعی زیر خودشان می گستراندند که ما را در برابر اشعه تیز و گرم آفتاب محفوظ نگه می داشت. من دوست داشتم زیر این درختان پر برگ دراز بکشم و از لابلای برگهایشان شعام طلایی آفتاب را نگاه کنم. احساس می کردم هزاران ستاره طلایی یکباره به من چشمک می زدند. آشپز بلندی آنجا بود که با آهنکی شاد از کوهها سرازیر میشد و یک چشمه کف آلود و سفید در محل ریزش خود درست می کرد. پرند ه های کوچولو و فرزند چالاکي تند تند از پشت آشپز بیرون می پریدند و بعد از مدت کوتاهی با غذائی که در دهان داشتند بر میگشتند و با همان سرعتی که پیدا شده بودند، دوباره پشت آبهای خروشان آشپز پنهان میشدند. این پرند ه ها خیلی نظر من را جلب می کردند. گاهی وقتها ساعتها می نشستم و رفت و آمد آنها را نگاه می کردم. بنظرم موجودات باهوشی بودند که در چنان جای باحالی برای خودشان لانه درست کرده بودند. علاوه بر زیبایی آن، امنیت بیشتری هم برایشان داشت.

کار زیادی نمی شد کرد. تمام روز را مجبور بودیم علاف در آن اطراف بچرخیم و شب که بر میگشتیم تازه کارهایمان شروع میشد. می بایست برای روز بعد مصرف شده را دوباره تمیز و آماده استفاده کنیم، مریضهایمان را حمام دهیم و به نظافت خودمان برسیم. در طول روز من و علی یک پتو بر می داشتیم و کمی دورتر از دیگران زیر یک درخت اتراق می کردیم. گاهی وقتها که کسی آن اطراف نبود، یواشکی همدیگر را می بوسیدیم. این نهایت نزدیکی ما به هم بود و تازه برای همان بوسه های کوچک هم من احساس شرم و گناه می کردم. همیشه نگران بودم که اگر کسی ما را ببیند چی میشود؟ به علی می

گفتم که بهتر است ما هم پیش دیگران بنشینیم. می گفتم دیگران در مورد ما چی فکر می کنند و الی آخر. اینروزها که دختر و پسرهای جوان را در خیابانها و اماکن عمومی می بینم که بیخیال اطرافشان همدیگر را می بوسند، بی اختیار یاد آنروزها می افتم که چقدر بخاطر یک بوسه احساس گناه می کردم.

بعد از دو هفته اوضاع تقریبا نرمال شد و ما توانستیم دوباره به محل کارمان برگردیم و فعالیتهایمان را از سر بگیریم. ظاهرا بطور موقت خطر رفع شده بود و امیدوار بودیم که رژیم صدام دیگر به سرش نزند که ما را بمباران کند. علی برگشت چناره و چند ماه بعد وقتی مرکز پزشکی و ارگانهای اصلی کومله به اردوگاه زرگویز منتقل شدند، من هم گولان را ترک کردم و رفتم آنجا.

زرگویز در نزدیکیهای سلیمانیه واقع شده بود. تقریبا نیم ساعت با ماشین راه بود. به این معنی ما در درون مرز خیلی جلو آمده بودیم و به شهرهای بزرگتر نزدیک شده بودیم. زرگویز هم جزو روستاهای تخلیه شده بود و باغهای میوه اطراف آن بی صاحب مانده بود و ما به این لحاظ در فراوانی بسر می بردیم. تمام پرچینههای اطراف روستا گل محمدی بود و بهار که گلها در می آمدند، بوی گل محمدی مهمان همیشگی ما میشد. آنقدر این گلها زیاد بودند که ما می توانستیم با آنها مراسمهای اول ماه مه را تزئین کنیم، برگهای آنها را خشک کنیم و در میان لباسهایمان بگذاریم که

خوشبو شوند، با آنها گردن بند و مریا درست کنیم. (مریائی که من درست کردم خراب شد و ریختیم دور. اما دوستان دیگر مریائی خوشمزه ای از آن درست می کردند) حتی یکی از دوستانم می گفت شوهرش برای سالگرد ازدواجشان، تمام روی تخت را برگ گل محمدی ریخته و او را سورپرایز کرده بود.

زرگویز را بولیدیزهای رژیم با خاک یکسان کرده بودند و اکثر خانه ها را در هم ریخته بودند. به همین دلیل ما ناچار بودیم همه را دوباره بسازیم. برای مدتی موقتا چادر زدیم و دست به کار ساختن بیمارستان و محل زندگی شدیم. برای جاهای عمومی، از شهر بلوکهای سیمانی می آوردند و ما هم همگی با نیروی کارمان خانه ها را میساختیم. تقریبا با تمام قوا مدتها مشغول بودیم تا توانستیم بیمارستان مناسبی بسازیم که حاوی چند اتاق برای بیماران بستری و یک اتاق برای پرستاران و بخشهای دیگری برای آزمایشگاه و اتاق عمل و درمانگاه و دندانپزشکی و غیره بود. همه ما در ساختن این خانه ها شرکت می کردیم. بعضیها خودبخود استاد شده بودند و دیوارها را می ساختند و گچکاری و نقاشی و همه کارهای دیگر را هم انجام می دادند. دیگران شاگرد بودند و بلوکها را جابجا می کردند و سیمان و گچ را به هم می زدند و کارهای خرد و ریز را سازمان می دادند. من هم شوخی شوخی برقکار شدم و شروع کردم به سیم کشی مرکز پزشکی.

ادامه دارد



## اخبار کارگری از شهرهای کردستان

### گزارشی از وضعیت کاری کارگران شرکت سفر سازی (ون)

به گزارش رسیده، کارفرمایان شرکت سفر سازی کردستان (ون)، به بیبانه های مختلف سعی در کاهش دستمزد کارگران دارند. کارفرمایان شرکت اخیرا با مطرح نمودن اشتباهات حسابداری طی سه سال اخیر، مبنی بر اضافه پرداختی حقوق کارگران، و تحمیل خسارت سنگین ناشی از اشتباه حسابداری، قصد دارند که میزان حقوق کارگران را به شکلی چشمگیر کاهش دهند. کارفرمایان با اعلام این موضوع که اضافه پرداختی حقوق کارگران به هیچ وجه از آنان باز پس گرفته نخواهد شد، و تنها از این پس از حقوقشان کسر خواهد شد، سعی بر موجه جلوه دادن سیاست ضد کارگری خود دارند. این در حالی است که کارگران با بررسی دقیق فیشهای حقوقی سه سال گذشته خود، کذب بودن ادعای کارفرمایان را به درستی دریافته اند؛ و هجوم همه جانبه کارفرمایان را به سطح معیشت خود، و راندن بیش از پیش خود را به زیر خط فقر، و تحمیل فشار بیشتر به کارگران را از طرف کارفرمایان، تنها عامل در پیش گرفتن چنین سیاستهایی می دانند.

### اعتصاب ۵۰۰ نفر راننده تاکسی در سنندج!

بر اساس گزارش رسیده روز دوشنبه ۲۲/۳/۹۱ بیش از پانصد نفر از رانندگان تاکسی درون شهری سنندج، با به همراه داشتن هاکسی های خود، در اعتراض به سطح نازل درآمد، و عدم تناسب آن با مخارج سرسام آور زندگی شان، ابتدا در مقابل ساختمان شورای شهر سنندج واقع در چهار راه فلسطین

نمایش گذاشتن گوشه ای از اتحاد خود، همبستگی طبقاتی خود را اعلام داشتند.

### قطع انگشتان دست کارگر نجاری در سنندج!

بر اساس خبر دریافتی، روز پنج شنبه ۱۸/۳/۹۱ کارگری به نام «احمد حبیبی»، حین کار نجاری در روستای قار شهر سنندج، به دلیل نبود وسایل ایمنی، بر اثر برخورد دستگاه اره نجاری، از ناحیه دست خود دچار جراحات جدی شده و پس از اعزام به بیمارستانی در تهران، ۲ انگشت دست وی پیوند ۲ انگشت دیگرش قطع گردیده شده است. گفتنی است نامبرده ساکن سنندج، ۳۷ ساله، متاهل و دارای ۲ فرزند می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، یادآور می گردد که این گونه حوادث حاکی از عدم وجود ایمنی در محیط های کاری می باشد و خواهان برقراری استانداردهای ایمنی برای حفاظت از جان کارگران در محیط های کاری می باشد.

بر گرفته از سایت کمیته هماهنگی

### کارگران ریسندگی پریس از یازده روز به اعتصاب خود پایان دادند

اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ امروز ۲۷ خرداد ماه در یازدهمین روز اعتصاب کارگران ریسندگی پریس، هیئت تشخیص اداره کار سنندج با حضور کارفرما به شکایت این کارگران از کارفرما رسیدگی کرد.

کارگران پریس با خواست ۹ ماه دستمزد معوقه، عیدی، بن و پاداش سال نود و پرداخت مانده مرخصی های چهار سال گذشته خود در روز ۱۷ خرداد ماه جاری دست به

## جمهوری اسلامی دهها فعال کارگری را دستگیر کرد

مردم، راه بقای خود را در سرکوب کارگران و مردم معترض میبینند و از هر تلاشی برای متشکل شدن آنها وحشت دارد.

حزب کمونیست کارگری دستگیری و ضرب و شتم فعالین کارگری را شدیداً محکوم میکند. کلیه دستگیر شدگان باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. حزب مردم آزادیخواه را فرامیخواند که همراه با خانواده های دستگیرشدگان و با دست زدن به تجمعات اعتراضی خواهان آزادی فوری آنها شوند. کلیه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. این سران رژیم اسلامی هستند که باید به جرم تحمیل فقر و محرومیت و بیحقوقی به مردم، به جرم اعدام های بیشمار و شکنجه و تجاوز به زندانیان و به جرم بیش از سه دهه جنایت سیستماتیک علیه مردم دستگیر و محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ خرداد ۱۳۹۱  
۱۶ ژوئن ۲۰۱۲

طبق گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ظهر جمعه ۲۶ خرداد، با هجوم نیروهای امنیتی به خانه ای در کرج، بیش از ۶۰ نفر از فعالین کارگری بازداشت شدند. طبق این گزارش نیروهای امنیتی، مسلحانه به خانه ای که فعالین کارگری در آن جمع شده بودند، هجوم آورده، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و کلیه آنها را دستگیر کردند. تعدادی از دستگیر شدگان امروز شنبه ۲۷ خرداد آزاد شدند اما ۹ نفر از آنها یعنی سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، مازیار مهرپور، ریحانه انصاری، فرامرز فطرت نژاد و میترا همایونی همچنان در بازداشت به سر می برند. برای ریحانه انصاری قرار ۲۰ روز بازداشت و ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه صادر شده است.

این پاسخ حکومت به تلاش کارگران برای متشکل شدن و مبارزه برای خواست های عادلانه آنها است. این ناشی از استیصال حکومتی است که ناتوان از پاسخگویی به ساده ترین نیازهای

اعتصاب زدند. در جلسه امروز هیئت تشخیص اداره کار سنندج کارفرما متعهد شد پس از پایان جلسه ۵ ماه بدهی خود را به بیمه واریز کند تا کارگران قادر به تمدید دفترچه های درمانی خود شوند. همچنین کارفرما مکلف شد: ۱- امروز یکماه از دستمزدهای معوقه کارگران را به حساب آنان واریز کند ۲- کارفرما هر ماه همراه با دستمزدهای ماهیانه کارگران یک ماه از مطالبات آنان را تا تسویه حساب کامل دستمزدهای معوقه به کارگران پرداخت خواهد کرد ۳- یازده روز اعتصاب کارگران جزو روزهای کاری آنان به حساب خواهد آمد.

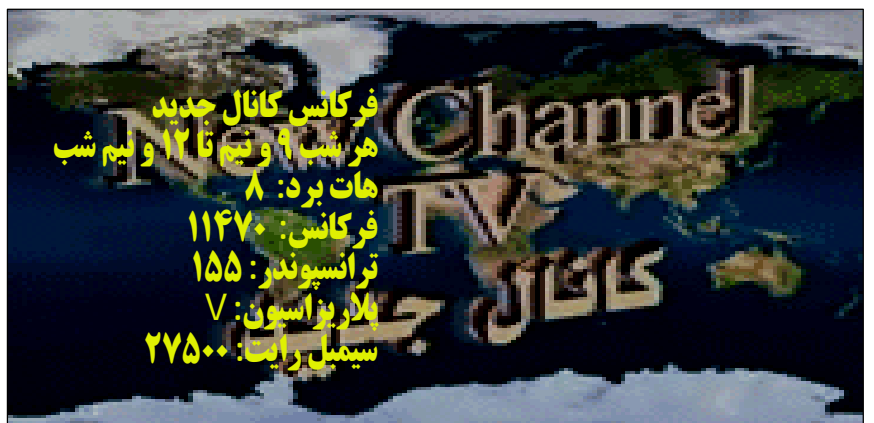
بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از حصول توافقات فوق در اداره کار سنندج، کارگران ریسندگی پریس به اعتصاب خود خاتمه داده و بر

سرکاهایشان بازگشتند. اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۷ خرداد ماه ۱۳۹۱

### اعتصاب کارگران سد گاوشان کامیاران

بر اساس خبر رسیده از کامیاران، کارگران شرکت تارا پیمانکار آب منطقه ای کرمانشاه قسمت انتقال آب سد گاوشان یک هفته است که در اعتصاب بسر می برند. این کارگران از روز ۲۱ خرداد اعتصاب خود را شروع کرده اند و همچنان در اعتصاب به سر میبرند. کارگران اعتصابی سد گاوشان اعلام کرده اند تازمانی که حقوقهای معوقه شان را دریافت نکنند به سرکار نخواهند رفت. کارگران سد گاوشان حدود ۵۰ نفر میباشند و و از ماه ۱۲ یعنی اسفند ماه تا کنون بمدت ۴ ماه حقوقی دریافت نکرده اند.

\*\*\*



فرکانس کانال جدید  
هر شب ۹ و نیم تا ۱۲ و نیم شب  
هات برد: ۸  
فرکانس: ۱۱۴۷۰  
ترانسپوندر: ۱۵۵  
پلازما سون: ۷  
سیمبل رایس: ۲۷۵۰۰

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

### سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

### شماره حساب انگلیس

### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

### سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

#### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

#### از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## در آستانه سی خرداد چهار فعال سیاسی در اهواز اعدام شدند. مردمی که خبر اعدامها را شنیدند در محلات مختلف اهواز دست به تظاهرات زدند.

شهر از عصر روز دوشنبه تا شامگاه تظاهرات اعتراضی برپا شده است. شهرک ملاشیه که زادگاه و محل سکونت اعدام شدگان بود، در یک حالت فوق العاده است و بشدت تحت کنترل نیروهای سرکوبگر اسلامی است و رژیم از گسترش یافتن اعتراضات واهمه دارد. حکومت اسلامی ایران تا کنون از دادن پیکر اعدام شدگان به خانواده های آنها امتناع کرده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که در تظاهراتهای فردا بیست ژوئن، که در سراسر جهان برگزار میشود، شرکت کرده و به این جنایت حکومت اسلامی اعتراض کرده و نفرت و انزجار خود علیه اعدامها در ایران را به گوش جهانیان برسانند.

حکومت اسلامی، حکومت ترور و اعدام و جنایت و بیشرمی است. این حکومت باید فوراً به نیروی اعتراض میلیونی مردم سرنگون شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۹ ژوئن ۲۰۱۲

اول برای رسیدگی به مطالبات میلیونها کارگر در سطح کشور، می باید خواست های مطرح شده در این طومار فوراً مورد رسیدگی قرار بگیرند.

از طرف هماهنگ کنندگان اعتراض به حداقل دستمزدها:

شاپور احسانی راد، شریف ساعد پناه، جمیل محمدی، شیث امانی، پروین محمدی، جعفر عظیم زاده  
تماس با هماهنگ کنندگان طومار:  
۰۹۱۲۳۳۶۸۷۷۲ -  
۰۹۱۲۲۴۴۹۹۹۰۱ -  
۰۹۱۹۲۵۵۰۷۳۷

رونوشت به نهاد رسیدگی به شکایات مردمی ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی



شدهگان جوانان معترضی بودند که در جریان تظاهراتها دستگیر شده و زیر شکنجه وادار به اعتراف شده بودند. حکومت اسلامی برای اینها پرونده سازی کرد و گفت که اینها یک نفر از نیروهای امنیتی و یک مزدور حکومت اسلامی را به قتل رسانده اند.

در عین حال امروز خبر رسید که علی نعمی شریفی نیز اعدام شده است. از وضعیت نفر پنجم در این پرونده یعنی امیر معاوی اطلاعی در دست نیست.

از اهواز خبر میرسد که اوضاع شهر متشنج است و در محلاتی از

جمهوری اسلامی ایران سبانه و وحشیانه سه فرزند یک خانواده ی اهوازی به نام های عباس حیدریان، جمشید حیدریان و عبد الرحمن حیدریان را صبح روز دوشنبه ۱۸ ژوئن در زندان کارون اهواز اعدام کرد. این چند جوان حتی اجازه ملاقات آخر با خانواده های خود را نداشتند و بعد از به قتل رسیدن آنها، جانباں اسلامی، خبر قتل فرزندان این خانواده را به آنها اطلاع دادند. دو برادر و یک پسرعمو اعدام شدند و یک برادر دیگر این دو جوان اعدامی نیز از طرف مزدوران حکومتی دستگیر و روانه زندان شد. اعدام

## متن نامه هماهنگ کنندگان طومار

### از صفحه ۴ اعتراضی به وزیر کار

میلیونها کارگر در سراسر کشور معترض به وضعیت موجود هستند و در این راستا اقدام به جمع آوری طومار اعتراضی برای صیانت از زندگی خود و خانواده هایشان کرده اند. لذا بدینوسیله طومار مرحله اول کارگران نقاط مختلف کشور به تعداد ده هزار امضا در اعتراض به سطح دستمزدها، عدم پرداخت دستمزدها، بیکار سازی کارگران و ناامنی شغلی، نحوه بیمه کارگران ساختمانی، اصلاحیه وزارت کار به قانون کار، تداوم موجودیت



## همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!